

خطرهای پیش روی انقلاب مصر

محمد شومان

انقلاب مصر، منحصر به فرد است، به دلیل ویژگی خشونت پرهیزی، سرزندگی، تظاهرات ملیونی، و اتکا به ابزار معرفتی در کشوری که مدرنیته و تحول سرمایه داری را از سرنگذرانده است. بیمانند بودن انقلاب مصر بر پایه همزیستی آن با ناهمخوانیها و تناقضهای شگفت آور، به ارزیابی گرفته می شود، چراکه انقلاب تا بدین لحظه به حکومت و قدرت دست نیافته است، و دارای سازمانی سیاسی نیست و بر محور رهبری مورد اتفاق و شخصیتی که از آن تعبیر کند، حلقه نزده است، در حالی که دشمنان انقلاب هنوز شاهرگهای اقتصادی را در دست دارند و از حزبی سیاسی برخوردار هستند و بر بسیاری از ارکان نظام مسلطند، علاوه بر رهبران و چهره های کارکشته ای که اندوخته هنگفتی از مهارتهای سیاسی دارند.

نیرومندی اردوگاه ضد انقلاب و فعالیتهای چشمگیر آن تأثیری بر درخشش انقلاب مصر و توفندگی آن نگذارده و توانایی اش را بر پروردن آرمانها و یقین به پیروزی، کاهش نبخشیده است، و همچنان نتوانسته است به سرمایه نمادین این انقلاب و پشتیبانی بیسابقه مردم از آن در داخل و خارج مصر، زیانی برساند. انقلاب مصر الگویی الهامبخش به ملتهای جهان گردیده است. اما چنانکه تاریخ انقلابها به ما آموخته است این انقلاب نیز در معرض یک سلسله خطرات و چالشها قرار دارد که از همه طرفها به شمول جوانان انقلاب می طلبد که، بجای چارچوبها و نمونه های فکری قدیم، اندیشه خود را برای یافتن گونه های جدیدی از تفکر انقلابی و شیوه های ابتکاری در زمینه گفتگوی سیاسی و اجتماعی متمرکز سازند، زیرا مبارزه با فساد و بازگرفتن سرمایه های مردم با اتکا به قوانین و مقررات گذشته موفق نخواهد بود، به ویژه اینکه همین قوانین و مقررات، دست دزدان را بازگذاشته بود تا جرایم شان را مرتکب شوند.

شاید مهمترین چالشها و خطرات قرار زیر باشد:

1- دشواری حفظ حالت انقلابی که سران نظام را سرنگون کرد اما خود نظام را نتوانست دگرگون سازد. توانایی به صحنه آوردن ملیونها نفر در قاهره و شهرهای بزرگ بخاطر خواسته های مشخص، با ظهور اختلافات و کشمکشهای فراوان و متنوع میان اردوگاه

انقلاب، در معرض تهدید قرار گرفته است، اختلافاتی که میان دو گروه است: یکی گروهی که به ادامه انقلاب تا سرنگونی نهادها و چهره های نظام سابق، فرامی خواند و به توانایی اردو به اداره مرحله انتقالی یا توانایی کابینه شفیق که امتداد طبیعی نظام مبارک و سیاستهای شناخته می شود، هیچ اعتمادی ندارد، به ویژه آنکه این کابینه شامل نامها و چهره هایی است که متهم به ضربه زدن به انقلاب هستند. گروه دوم به خویشتنداری فرامی خواند تا به اردو و به کابینه شفیق فرصت داده شود که مرحله انتقالی را به اكمال برسانند، و این گروه اعتماد کامل دارد که اردو می تواند مرحله انتقالی را به خوبی اداره کند و تحول دموکراتیک را ضمانت نماید.

این اختلاف در حقیقت تجسم رودرویی و رقابت طیف گسترده ای از مجموعه های جوانان، احزاب، اخوان و شخصیت های مطرح در ساحة عمومی است - کسانی که برخی چهره های فرصت طلب و بازمانده های رنگ عوض کرده نظام سابق را نیز با خود دارند - اختلافی که به ارزیابی این مرحله و اهداف انقلاب و شکل نظام آینده و سیاستهای اجتماعی و خارجی، بر می گردد. همچنان اختلاف بر سر اینکه چه کسی در گفتگو با اردو و حکومت، از انقلاب نمایندگی کند. بدون اینکه وارد تفصیلات این اختلافها و عوامل ایدئولوژیکی و سیاسی و بلکه احیانا شخصی آن بشوم، به نظر من یگانه سلاح برنده ای که انقلاب مصر دارد توانایی آن در بسیج نیروها و مشارکت توده ها در تظاهرات ملیونی است که از یک سو می تواند در مقابل اردوگاه ضد انقلاب جبهه آرایی نماید و از دیگر سو می تواند موازنه میان نیروی انقلاب و نیروی اردو را که بر نظام و تصمیم گیریهای آن مسلط است، حفظ نماید.

نبرد نگرش تفصیلی واضحی در باره مرحله انتقالی در نزد اردو و خطراتی که این مرحله را تهدید می کند. اردو که نقش بسیار مهمی در محافظت از سرمایه های

-2

دولت مصر و حمایت انقلاب و حفظ امنیت و اداره کشور به عهده داشت، آمادگی یا تمرین کمر بستن به چنین وظیفه ای را نداشته و به تداوم حضور در قدرت هم علاقمند نیست. به همین جهت شش ماه را برای دوره انتقالی و حتی برای انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری، در نظر گرفت - که به احتمال قوی کافی نخواهد بود- آنهم در کنار تعدیلات محدودی در قانون اساسی که به انتخاب رئیس جمهور و به اعلان حالت اضطرار و به نظارت کامل قضایی بر انتخابات تعلق می گیرد. به نظر می رسد که اردو هنگام در نظر گرفتن این وظایف برای خویش، با نیروهای سیاسی مشورت ننموده و از آنان در اداره مرحله انتقالی دعوت نکرده است، همچنانکه با خواسته های انقلاب مبنی بر لغو حالت اضطرار و اجازه تشکیل احزاب و اتحادیه ها و تشکیل مجلس ریاستی و کابینه تکنوکرات برای اداره مرحله انتقالی، موافقت ننموده است. درست است که اردو گفتگوهایی را با بسیاری از طرفهای فعال سیاسی به جریان انداخت، اما این گفتگو شکل نهادینه به خود نگرفت.

اردویی که منتظر برگشت به پایگاه های خود است، به تفکر سیاسی نیاز دارد، و به تفصیلات مرحله انتقالی و پیچیدگیهای آن، به خوبی نیندیشیده است، و نیروهای را که بر ضد این انقلاب کمین کرده و بر ضد مبارزه با فساد و حرکت به سمت دموکراسی توطئه می کنند، در نظر نگرفته است، و حتی ممکن است که اردو اهمیت مرحله انتقالی را که رابطه آن با اردو را متحول خواهد ساخت، در نظر نگرفته باشد، مرحله ای که فراخوانی مجدد مردم را به صحنه سیاست و عرصه عمومی می طلبد، تا از آن طریق ضمانتی برای انتقال حقیقی و همه جانبه به سوی دولت مدنی دموکراتیک در آینده فراهم آید. من معتقدم که درک نکردن این حقائق به این موارد منتهی گردیده است:

اولا: واگذاری رهبری مرحله انتقالی به وزیران و والیان و قیادتهای محلی و

رسانه ای که به نظام مبارک و ابستگی دارند و مطابق با افکار و روشهای کهنه او عمل می کنند، و حتی برخی از آنان به حکم شبکه منافع، در ضمن تلاشهای متضاد با انقلاب عمل می نمایند.

ثانیا: استمرار بی قید و شرط نیروهای ضد انقلاب در فعالیتهای شان و به کار انداختن سرمایه برای صف آراییی و دفع زیانی که از انقلاب دیده اند و نادیده گرفتن این انقلاب، علاوه بر نادیده گرفتن خواسته های قانونی کارگران و کارمندان از سوی برخی رهبران و سرمایه داران وابسته به حزب ملی، چیزی که گسترش دامنه اعتصابها و تظاهرات و آشفتگی امنیت عمومی را در پی دارد، در وقتی که مسئولیت امنیت را اردو به دوش گرفته است و پلیس توانایی ندارد نقش و جایگاه خود را اعاده نماید.

ثالثا: متهم گردیدن اردو از سوی برخی نیروهای انقلاب به اینکه اردو بخشی از نظام مبارک است و با شبکه منافع قدیم ارتباط دارد و در نتیجه علاقه ای به انتقال دموکراتیک حقیقی ندارد، و حتی برخی اتهامات سخن از این می گوید که برخی قیادتهای اردو علاقمند باقی ماندن در حاکمیت به شکل مستقیم یا از طریق کودتای نظامی، یا از طریق نامزد ساختن یک شخصیت ملکی با سابقه نظامی برای پست ریاست جمهوری هستند.

علی رغم اهمیت تعدیلاتی که در خصوص هشت ماده از قانون اساسی انجام شد و دوره ریاست جمهوری را از شش سال به چهار سال فروکاست و امکان نامزدی مجدد را به یک دوره محدود کرد، اما صلاحیتهای بیحد و حصر رئیس جمهور که در بدنه قانون اساسی پخش می باشد و سخاوتمندانه ترین قانون اساسی در زمینه صلاحیتهای رئیس جمهور در سطح جهان تلقی می گردد، مورد بحث قرار نگرفته است، زیرا اردو به این باور است که وضع قانون اساسی جدید از وظایف پارلمان و رئیس منتخب خواهد بود. در اینجا چند خطر و تهدید به نظر می رسد: اول اینکه: پرداختن به صلاحیتهای

-3

رئیس جمهور می تواند رئیسی را که بعد از پنج ماه دیگر انتخاب می شود به عدم تعدیل این مواد یا تعدیل تنها برخی از آنها جرئت دهد تا زمینه استفاده از آنها برایش بماند. در سایه استمرار فرهنگ استبداد و نفاق سیاسی که به زودی از میان نخواهد رفت، این احتمال دور از واقع به نظر نمی رسد. دوم اینکه: شرط 40 سالگی برای نامزدان ریاست جمهوری جوانان انقلاب را از ورود به میدان انتخابات ریاست جمهوری محروم می سازد، و در حقیقت 69% از مردم مصر را از این حق محروم می گرداند. بهتر آن بود که این سن به 30 یا 35 سال تقلیل داده می شد. سوم اینکه: لغو نشدن قانون اضطرار و آزاد نکردن زندانیان سیاسی و اعلان نکردن حق تشکیل احزاب و اتحادیه ها و نشر روزنامه ها، عملیه تجدید روحیه در زندگی سیاسی را که در زمان مبارک فلج گردیده بود، به تاخیر می اندازد، زیرا به نیروهای جوانان انقلاب 25 جنوری و دیگر نیروهای سیاسی قدیم زمان کافی برای تشکیل احزاب و اعلان برنامه های شان را برای حرکت در میان توده، نمی دهد. این به معنای خشکیده ماندن زندگی سیاسی و حزبی است که به یکه تازی حزب "ملی" می انجامد که با منافع سرمایه داران و خانواده های پرنفوذ در قریه ها مرتبط است، و نیز یکه تاز شدن جماعت "اخوان المسلمین" در عرصه عمومی و ساحة سیاسی را در پی خواهد داشت، زیرا این دو جریان سازمان یافته تر و دارای امکانات مالی بیشتری نسبت به سایر احزاب هستند، و از این طریق دستیابی شان به شمار زیاد چوکیهای پارلمان و شوری، و حتی به مقام رئیس آینده، ضمانت خواهد شد. شاید در نظر گرفتن این تفاوت، منظور من را واضحتر سازد: بسیاری از نیروها و فعالان سیاسی خواهان تمديد دوره انتقالی و مشخص ساختن مکانیسمهای آن و تعدیل مسیر آن هستند تا زمینه و چارچوب زمانی مناسب برای زندگی سیاسی فراهم گردد، به غیر از جماعت اخوان المسلمین که این خواسته را رد می کند و با تعجب می پرسد که چرا نیروهای

دموکراتیک خواهان طولانی تر شدن دوره به دست داشتن سلطه از سوی اردو هستند!

خطرات تعدد نگرشها و رویکردها و برخورد آنها در اردوگاه انقلاب 25 جنوری در کنار غیاب نگرشی در میان اردو، همگام می گردد با خطرات ناشی از فشارهای خارجی و به طور مشخص امریکا و اسرائیل که نقش فزاینده ای در تحولات مصر دارند، زیرا نظام مبارک تواناییهای دولت مصر در زمینه مقاومت در برابر فشارهای خارجی را به حداقل رسانده و به آنها اجازه داده بود که نقش رو به رشدی در تاثیر گذاری بر تحولات داخلی و سیاست خارجی داشته باشند. دشوار است تصور کنیم که مصر از این میراث سنگین رهایی یابد، و این امر باید در ضمن محاسبات انقلاب مصر گنجانیده شود، همچنانکه باید اردو و انقلابیون درک کنند که از نقطه نظر امریکا و اسرائیل، قیود و خطرات گوناگونی متوجه عملیه تحول دموکراتیک است. من شخصا معتقدم که هیچیک از آنان از نظام دموکراتیک حقیقی در مصر استقبال نمی کنند و نمی توانند نقش نیروهای چپ و نیروی اسلام سیاسی را نادیده بگیرد، نقشی که می تواند به خیزش اقتصادی و اجتماعی مصر بر پایه عدالت اجتماعی و پیشرفت علمی و به عهده گرفتن نقشی فعال در سطوح عربی و افریقایی و اسلامی، بینجامد.

مجموع خطراتی که انقلاب مصر را تهدید می کند دشوار و غیر منطقی نشان می دهد که قیادت مرحله انتقالی را همان نخبگان نظام مبارک به پیش ببرند، کسانی که به همان روشهای فرسوده از اعتبار افتاده توسط انقلاب 25 جنوری، می اندیشند و عمل می کنند. به این دلیل، نوعی از نگرانی و تشنج در صحنه عمومی مصر به چشم می آید، تشنج میان نخبگانی که حکومت را به دست دارند و با کندی و با روشها و افکاری کهنه که نسبتی با انقلاب ندارند، عمل می کنند، اما ظاهرا از انقلاب و شهیدان آن تجلیل می نمایند و در عین زمان از طریق بیانیه هایی انقلاب را پایان یافته و اهداف آن را تحقق یافته می دانند، و در

نتیجه از مردم می خواهند که دیگر تظاهرات نکنند و از سیاست دوری گزینند، تا فرصت پرداختن به اصلاحات و حفظ امنیت عمومی و استقرار اوضاع فراهم آید و چرخ تولید به حرکتش بازگردد. در مقابل این نخبگان، مردم انقلابی قرار دارند که فکر می کنند انقلاب هنوز به پایان راه نرسیده و خواهان تغییرات سریع هستند و مطالبه دارند که حقوق شان در سرمایه و در قدرت از طریق فعالیت سیاسی و سندیکایی آزاد و مستقل در دولت دموکراتیک مدنی، تامین باشد.

باکمال احترام:

ترجمه از عربی به فارسی:

دکتور خالدین ضیایی تاج الدین

ریس اندیشکده گفتمان تعلیمی